

## سخنان رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران درباره

### طرح ایران ۱۴۰۰ "احیای تمدن اسلامی"

حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور محترم، در دیدار با رئیس، معاونان، مشاوران و مدیران کل سازمان برنامه و بودجه و رؤسای سازمان برنامه و بودجه استانها و سایر دست‌اندرکاران طرح ایران ۱۴۰۰ "احیای تمدن اسلامی"، مطالب مهمی ایراد فرمودند:

این جلسه مهمی است که سازمان برنامه و بودجه با جدیت مسئله را آغاز کرده است و به نظر می‌رسد با این کار، خدمت شایسته‌ای به نسلهای آینده کشور ایران و جهان اسلام می‌توانیم ارائه بدهیم. از طرفی، شاید این موقعیت منحصر به ایران باشد، چون ما بیش از سایر متفکران و سیاستمداران دنیای اسلام، خود را مسئول می‌دانیم. چند عنصر برای تحقق این کار بزرگ ضروری به نظر می‌رسد که عمدتاً این ضرورتها فعلاً در ایران وجود دارد و در جاهای دیگر دیده نمی‌شود. اولاً مبنای این فکر احیای تمدن اسلامی است. این کلمه را از آن جهت انتخاب نمودیم که تمدن رایج یک معنا و مفهومی در جامعه دارد، که مردم و متفکرین می‌فهمند. البته الفاظ دیگر را می‌شود استفاده کرد، ولی احتیاج به تفسیر و توضیح دارد. اسلامی از این جهت به دنبالش می‌آید که ما می‌خواهیم این تمدن را بر مبنای اسلام قرار بدهیم. این برنامه فعلاً در ایران است. کشورهای اسلامی فراوانند، اما کشوری که بخواهد زندگی، برنامه، قانون و همه امورش را جزء به جزء بر مبنای اسلام و قرآن قرار بدهد، به غیر از ایران در دنیا نداریم. برخی از کشورها می‌خواهند این کار را بکنند، ولی دستشان برای تحقق چنین امری خالی است. این منبع غنی و این نظامی که فعلاً در ایران به وجود آمده و مردمی که از این نظام حمایت می‌کنند، امروز در دنیا منحصر به فرد هستند. اگرچه ما فردانی توانیم پیش‌بینی کنیم، ولی امروز تکلیف ما از این جهت که یک تمدن

اسلامی را می‌خواهیم محقق سازیم و جواب خدا را بدھیم و از امکاناتی که به وجود آمده استفاده ببریم، روشن است. یک بار تمدن بزرگ اسلامی در قرن سوم و چهارم به ثبت رسید، اما به علت فقدان مبنای ایدئولوژیکی صحیح، تداوم پیدا نکرده است. مثلاً در دربار هارون الرشید، مأمون، منصور و متوكل بوده‌اند و با شناختی که ما از آنها داریم، اگر هم تمدنی در این دوره‌ها باشد، مسلماً تمدن اسلامی نیست. و جالب اینجاست که بخش مهمی از این تمدن نیز این دوره توسط ایرانیها احیا شده است و آن بخشی که احیا نشدنی بود نه ایرانیها و نه دیگران از خود مایه نگذاشتند. من از لحاظ امکانات مادی به اندازه متخصصینی که دنیا را می‌شناسند، شاید آگاه نباشم، اما با مطالعاتی که از اوضاع دنیا دارم، دو سه کشور در دنیا هستند که از این لحاظ با شرایط ایران برابرن. یکی از این کشورها، آمریکاست، که تقریباً همه چیز از جمله انرژی، فضای، طبیعت مناسب، دریا، زمین و معادن را داراست. دیگری کشور روسیه است که از معادن، انرژی، فضای، ارتباط با بخشی از دریاهای دنیا، زیربنای صنعتی و چیزهای دیگر بپرهمند هست. سومین کشور برخوردار، ایران است. کشورهای پیشرفته‌ای همچون آلمان، انگلیس، ژاپن و برخی از کشورهای دیگر، از ما خیلی جلوترند، اما آنها منابع داخلی زمینه‌های چنین حرکتی را در طبیعت ندارند. همه آنها به انرژی وارداتی به شدت وابسته هستند. این خود مسئله مهمی است، به خصوص در زمان ما که به نظر می‌رسد گاز نقش بسیار مهمی در آینده ایفا کند. در ایران، منابع معدنی انصافاً بالاست. احتمالاً ما یک کلکسیونی از معادن دنیا را به خصوص در زمینه نفت و گاز که ظرفیت بسیار بالا و تمام‌نشدنی است، داریم. بخشی از این معادن را کشف کردیم و قسمت عظیمش هنوز کشف نشده است.

موقعیت جغرافیایی ایران از روسیه و آمریکا هم بهتر است. چون ما در مقیاس از آمریکا و روسیه کوچکتر هستیم، بنابراین، کارمان در مقیاس کوچکتری خواهد بود. ایران با ۴۰ میلیون جمعیت و ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومترمربع مساحت، منابعی برای این منطقه بسیار کافی به نظر می‌رسد. البته ما کمبودهای جدی از نظر فنون و تکنولوژی داشتیم، ولی با این حرکتی که در برنامه اول و دوم شروع شده، امیدواریم که به تکنولوژیهای مورد نیاز دسترسی پیدا کنیم. آمریکا هم تمدن عظیمی دارد، اما دنبال تمدن اسلامی نیست. ما الان دنبال تمدن اسلامی هستیم، که این حرکت برای ما عمیقاً استراتژیک است، سوابق تمدن، موقعیت جغرافیایی و ایدئولوژیکی ما در دنیا اسلام ممتاز است، اما شیوه برخورد کارمان اشکال دارد، لذا باید راه حل‌های معقولتری انتخاب بشود و برخوردهای صحیحتر فرهنگی نیز با جهان اسلام داشته باشیم. ما از ظرفیت انسانی بالای

در مقیاس خودمان برخورداریم. هوش و استعداد ایرانی خیلی بالاست، ولی ما هنوز نتوانسته ایم ایشار را پرورش دهیم. ما ابزار کار، نظری علم، آموزش، فن و غیره را در اختیار داریم و می توانیم با برنامه ریزی از کشورهای پیشرفته‌ای نظری آمریکا و روسیه و غیره که عقب تر هستیم، جلو بیفتیم، به گونه‌ای که در ۲۵ سال آینده، از امکانات، تواناییها و استعدادهای کشور حداقل استفاده را ببریم. برای رسیدن به اهداف فوق، ابزار نیاز داریم. چون مبنای انقلاب ما ایدئولوژی و فرهنگی بود، باید روی بخش فرهنگ برنامه ریزی کنیم، تا در فرهنگ ما وجودان کاری و انصباط و بهروزی از امکانات، تبدیل به فرهنگ عمومی شود. لذا باید رویتیات انسانی مثبت، نظری انسان‌دوستی، محبت و صمیمت را که از مسائل بسیار مهم اخلاقی اسلامی به شمار می‌روند و تا حدودی در فرهنگ انقلابی ما به فراموشی سپرده شده است، جایگزین حсадتها و رقابت‌ها بکنیم. نکته بعدی این است که اگر شما هوشمندانه و کارشناسانه اخلاق اسلامی را مطالعه کنید، محور اخلاق اسلامی، اعتدال است. همین عبادت که این همه ارزشمند است، از حدی که گذشت، ضد ارزش می‌شود. افراط و تفریط در اسلام هر دو ضد ارزش است. همه اصول اخلاقی (استثنایهای هم دارد) حد وسطش معمولاً مطلوب است. ما برای اینکه اعتدال را در فرهنگ اسلامی و در کشور جمهوری اسلامی جای‌بیندازیم، باید کار فرهنگی بکنیم. پیغمبر(ص) و ائمه ما اسوه اعتدال بودند. در همان زمان پیغمبر اکرم(ص)، خیلی از خشکه مقدسها حضرت را سرزنش می‌کردند. حتی در بهره‌گرفتن از مادیات در طبیعت هم افراطش و هم تفریطش در قرآن منع شده است. ما باید مسائل فرهنگی و آموزشی را که هم در دنیا و هم در ایران قابل قبول هست، تقویت کنیم.

البته در اظهارات جناب دکتر میرزاده این طور برداشت می‌شد که ما الان روی کمیات نمی‌خواهیم کار کنیم. من برنامه ریزی بدون کمیات را مشکل می‌دانم. به هر حال، یک اعدادی را نهایت برنامه باید در نظر بگیریم. مثلاً ما می‌خواهیم بدانیم سرانه برای تولیدمان چقدر است. سرانه بهره‌وری ما چقدر است. سرانه مصرف انرژی، سیمان، و فولادمان چقدر است. اگر بتوانیم اعداد را در آموزش به کار بگیریم، خیلی خوب است. مثلاً بدانیم چقدر متخصص لازم داریم. ما اصلاً رمز موقفيتمن در برنامه این بود که این اعداد را در برنامه مشخص کردیم و هر وزیر در وزارت‌خانه مأمور بود تا به آن عدد پیش‌بینی شده در برنامه دست یابد. البته اهداف کوتاه‌مدت آسان است، ولی اهداف درازمدت سخت و دشوار است. البته تا حدودی می‌شود اعداد را پیش‌بینی کرد. مثلاً

ما می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که صادرات، درآمد مالیاتی، میزان اتکا به درآمدهای انحصاری و نفتی را به کجا می‌خواهیم برسانیم. اگر وارد محدوده انرژی شدیم، باید بدانیم چقدر می‌خواهیم از آب استفاده کنیم. چقدر می‌خواهیم از انرژی نو، هسته‌ای، باد، آب و خورشید استفاده کنیم. گرچه این کار دشوار است، اما امروزه با شبکه‌های عظیم اینترنت خیلی آسان می‌شود خط سیر پیشرفت‌های دنیا در این زمینه را جمع کرد و از تجارب آنها بهره گرفت. البته لازمه‌اش این است که ما از آدمهای با دید ریاضی نیز در این برنامه استفاده کنیم تا بتوانند اطلاعات را تجزیه و تحلیل کنند. به نظر من، باید علاوه بر استراتژیها، روی دورنمای کمیات کار بکنیم. مثلاً باید مشخص کنیم به چه میزان می‌خواهیم از راه‌آهن، هواپیما یا راه دریایی استفاده کنیم. خطوط اصلی در بخش کشاورزی هم اکنون برای آینده مشخص است. ما از هم اکنون می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که چه مقدار زمین، با صرفه‌جویی یا انتقال آب از زاگرس و البرز به مرکز کشور، به زیرکشت خواهد رفت. الان تا حدود ۲۰ سال آینده را در این زمینه می‌توانیم برنامه‌ریزی بکنیم. برروی شیلات، منابع دریایی و دام و طیور برنامه‌ریزی درازمدت می‌شود انجام داد. روی معادن و شناخت آن باید یک کار تحقیقاتی نیز و متد صورت بگیرد. با امکاناتی که فراهم شده، از جمله نیاز به مصالح و دیگر موارد، استراتژی مسکن باید مشخص شود. در مخابرات باید تعیین کنیم که ضریب نفوذمان چقدر می‌تواند باشد. برخورداری از موهب بهداشتی، آب، فضای سالم و محافظت و پیشگیری، از جمله مواردی است که در بهداشت و درمان به آن باید توجه شود. در مورد بیمه باید این فرض تحقق پیدا کنده که مردم تا ۲۵ سال آینده نگران درمان نباشند. اشتغال از مسائل مهم و مشکل مردم است. باید برنامه‌ریزی بشود. مسئله پتروشیمی و استفاده از منابع نفت و گاز و ارزش‌های افزوده‌ای که دنیا امروز از این منابع به دست می‌آورد، می‌تواند جزو محورهای اصلی این حرکت باشد. مزیت نسبی مان در پتروشیمی شاید از همه دنیا بیشتر باشد. در مجموعه کشورهای دنیا، شاید روسیه از نظر دارا بودن گاز از ما بالاتر باشد. کشورمان کار بهره‌برداری از فراورده‌های پتروشیمی را شروع کرده است که شیرینی‌اش را مردم روز به روز بیشتر می‌تواند بینند. منابع صادراتی در کشور ما خیلی زیاد است. مثلاً ما ممکن است از لحاظ آب و زمین محدودیت داشته باشیم، در این زمینه، می‌توانیم در دنیا شریکهایی مثل کشور سودان را که در کنار رود نیل قرار دارد داشته باشیم که صاحب میلیون‌ها هکتار زمین ارزشمند بوده و از هوای مناسب با دو سه کشت در سال برخوردار است. ملت سودان برای آبادکردن این زمینها احتیاج به شریکی مثل ایران دارد که می‌تواند با صدور خدمات فنی و

مهندسی و مبادله، جای جدیدی برایش باز شود، چون رسالت ما فقط این نیست که در داخل کشور حضور داشته باشیم. اگر ما موفق شویم این تمدن اسلامی را واقعاً محقق سازیم، آن موقع رسالت ما حضور در بین میلیاردها مسلمان در جهان است که به آنها کمک ارائه بدهیم. حضور منصفانه نیروهای فنی و امکانات مالی در این کشورهایی که برای ما ارزشمند هستند، در جهت مهار آبهای، و استفاده از منابع خاصی که در اختیار دارند و هرز می‌روند، است. وقتی که می‌گوییم صادرات، منظورمان تولید محصول نیست. حضور ما در این کشورها، حضور خدماتی عمیق و واقعاً بنیانی جهت ایجاد بازار برای این کشورهاست. گرچه ما از آنها مزد می‌گیریم، اما طبع خدمت باید هدف باشد، نه طبع استعماری. اگر این اصل خدمت را در فرهنگمان بتوانیم حفظ کنیم، آن موقع دنیا از ما استقبال می‌کند. همین قدر که می‌توانیم در مقابل آمریکا در دنیا حضور داشته باشیم به خاطر این است که دنیا حسن نیت ما را فهمیده است. ممالک دنیا می‌دانند که آمریکا به خاطر ایجاد تفرقه به سراغ آنها می‌رود تا از آب گل آلود ماهی بگیرد. اما ایران به خاطر این که دلش به حال مردم دنیا می‌سوزد و برای این که مشکلات مردم را حل کند به آنجا می‌رود. البته ما امکانات زیادی نداریم. در این شرایط، کارهای بزرگی را می‌توانیم انجام بدهیم که برخی از آنها شروع شده است. مثلًاً سهم تعاضی، خصوصی و دولتی در برنامه‌ها مشخص شود. مسائل دفاعی، یک بخش دیگری است که باید به آن توجه شود. ما قصد تهاجم نداریم و کشورگشایی در نیت ما نیست. ولی باید به گونه‌ای باشیم که برای دیگران صرف نکند که به ما حمله کنند. ما می‌توانیم در برنامه پیش‌بینی کنیم به چیزهای مسلح باشیم. من فکر نمی‌کنم کسی الآن در دنیا بخواهد به فرانسه یا چین حمله کند. اگر بخواهد کاری بکند باید از راههای دیگر اقدام بکند. آنها با قدرت دفاعی که برای خود درست کردند می‌توانند از خودشان دفاع کنند.

به هرحال، به نظر من، محورهای مجموعه فرهنگ، آموزش، بخش‌های مختلف، کارهای زیربنایی و خدماتی، نیازهای واقعی مردم، تجاری و تولیدی و هرچه که شما الآن فکر می‌کنید به نظر می‌رسد، می‌تواند در این برنامه بلندمدت مشخص باشد. ما را همان روشن است ما دوبار برنامه نوشتیم و اجرا کردیم، می‌دانیم در کدام قسمت زیادی و در کدام قسمت کمبود داشتیم. با رفع اشکال این برنامه، می‌توانیم به صورت درازمدت روی آن فکر کنیم و تبدیل به برنامه طولانی بکنیم. به نظر من، راه کارش این است که از طریق میانبر و استفاده از تجارب مجموعه دستگاههای اجرایی و سازمان برنامه و بودجه استفاده کنید. از کارشناسانی که در بیرون هستند

برای غنی کردن این اطلاعات استفاده کنید. در نوشتن برنامه، پیشنهاد را از دستگاههای اجرایی بگیرید و آنها را که قابل قبول است اخذ و بقیه را رد کنید، یا در حد مقدورات، نظرات دستگاهها را تلفیق کنید. لذا دستگاههای اجرایی باید واقعاً با سازمان برنامه و بودجه همکاری بکنند. به صورت فعال، پیشنهادها، نظرات و انتقادات را به این سازمان ارائه کنند. کارشناسان و اساتید دانشگاهها و دیگران پیشنهادها را ببینند و نظرات تکمیلی بدهنند. به دنبال آن، سیناری تشکیل شود، مقالاتی درج شود و مورد نقد قرار گیرد. در این برنامه، از دولتهای دیگر که قبل از ما برنامه‌های خوب نوشتند، آدمهای بسیار غنی و نیرومند دارند نیز استفاده بشود. سورای افراد متفسک برای ارزیابی برنامه خیلی مقبول است. اگر شورا بزرگ باشد، کار را مشکل می‌کند. تعدادی که بتوانند با هم کار کنند. علاوه بر این یک مدیریت فارغ هم باید وجود داشته باشد که به طور تمام وقت در جمعیت‌بندی، تدوین و تنظیم برنامه نقش داشته باشد. نباید از این مجموعه ارکان راهبردی تدوین برنامه ۱۴۰۰ یا تمدن بزرگ اسلامی که در دولت براساس مصوبه‌ای نامگذاری شده است، تغطیه به وجود آید. اگر بنا باشد در این عنوان تغییراتی داده شود باید پیشنهاد شده به دولت داده شود، چون این مصوبه محور است. امیدوارم با این مجموعه کارمان را شروع کنیم. خوشبختانه صدا و سیما استقبال خوبی از این برنامه کرده است. برای عمومی کردن کار و مردم را در جریان امور گذاشتن، کار خوبی است. باید از صدا و سیما و رسانه‌ها پیشتر استفاده کنید. این کار احتیاج به یک روابط عمومی دارد که به طور مرتباً ارتباطش را با این برنامه حفظ کند. ما نباید حرفاًی بزرگتر از امکاناتمان بزنیم و صاحب‌نظران را از خود مأیوس کنیم که بگویند شعاری کار می‌کنید. حتی یک مقدار اهداف را محافظه کارانه بیان کنیم که قابل قبول و پذیرش باشد. عجله‌ای در این کار نداریم. ما فعلًا تا پایان برنامه دوم، دوازده سالی فرصت داریم. اگر بتوانیم تا سه سال دیگر یک دورنمای مشخص کنیم که برنامه سوم طبق این چارچوب نوشته شود، کار موفقی کرده‌ایم. به هر حال، اگر بنده هم در دستگاه اجرایی نباشم، علاقه‌مندم هر مقداری که لازم باشد به شما کمک کنم و به عنوان یک مشاور در حد اطلاعات و تجربیات برای کمک به شما وقت خواهم گذاشت. انشاءا... موفق باشید و خداوند، با این زحمات، از شما راضی باشد.